

نقش دولت در اقتصاد از دیدگاه ابن خلدون

بهرام فتاحی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی
واحد الیگودرز

تقی ترابی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد
اسلامی
واحد علوم و تحقیقات

فاطمه علی میرزایی

کارشناس ارشد اقتصاد

چکیده

نظریات اقتصادی ابن‌خلدون از مهمترین نظریات وی می‌باشد. او نقش اساسی برای دولت قایل است و آن را شرط اساسی تأسیس شهر می‌داند. به نظر وی، نظارت دولت در فعالیت‌های اقتصادی نقشی تعیین‌کننده در تعادل و رونق اقتصادی دارد، برعکس دخالت آن در مبادلات برهم زننده‌ی وضعیت رقابتی و باعث ورشکستگی بخش خصوصی خواهد شد. بعلاوه او معتقد است دولت برای رشد و بقا باید، به رعایت اعتدال در اخذ خراج (مالیات) همت گمارد.

واژگان کلیدی: ابن‌خلدون، اقتصاد، دولت، شهر، کشاورزی، صنایع.

مقدمه

طبق نظریات اقتصاد بخش عمومی، بخش دولتی با عدم‌کارایی اقتصادی مواجه است.^۱ با وجود تائید این موضوع توسط این شاخه از علم اقتصاد، ابن‌خلدون اندیشمند مسلمان سده هشتم هجری قمری نیز بر آن تأکید داشته است؛ وی با تصدی دولت در فعالیت‌های اقتصادی مخالفت نموده، زیرا معتقد است بخش خصوصی توانایی رقابت با آن بخش را ندارد و به ورشکستگی کشانده خواهد شد که نتایج سوء آن به خود دولت نیز برخواهد گشت.^۲ وی وجود یک نظام قوی در چارچوب دستگاه محتسبی را برای نظارت همه جانبه بر فعالیت‌های اقتصادی، به منظور جلوگیری از تخلفات و سوءاستفاده‌های اقتصادی توصیه می‌کند.^۳

به استناد برخی تخمین‌ها، در کشور ما حدود ۸۰ درصد از محصولات صنعتی، به طور مستقیم و غیرمستقیم در اختیار شرکت‌های دولتی قرار می‌گیرد. این ماشین عظیم اداری ناکارآمد امروز مانعی بزرگ برای اقدامات اساسی توسعه است.^۴

این مقاله قصد دارد تا این موضوع را از دیدگاه ابن اندیشمند مسلمان بیان نماید.

شرح احوال ابن‌خلدون

محمدپروین گنابادی در شرح احوال ابن‌خلدون آورده است که وی در پایان ماه رمضان سال ۷۳۲ ق (۲۷ مه ۱۳۳۲) در تونس به دنیا آمد.^۵ محسن مهدی نیز در کتاب فلسفه تاریخ ابن‌خلدون همین تاریخ را زمان تولد ابن‌خلدون شناسایی کرده است.^۶ گنابادی نام و نسب وی را چنین آورده است:

ولی الدین عبدالرحمن بن محمد بن محمد بن محمد بن حسن بن جابر بن محمد بن ابراهیم بن عبدالرحمن بن خلدون.^۷

از قرار معلوم خانواده او دعوی انتساب به یکی از قبایل یمن را داشتند که اصلاً از حضرموت واقع در ناحیه مرکزی کرانه جنوبی عربستان بوده است. اما به طور واقع محققان در خصوص این نسب‌نامه تردیدهایی مطرح کرده و متفق‌القول نیستند.^۸

از دوران کودکی و نوجوانی ابن‌خلدون در تونس، غیر از جزییات تحصیلات او، سوابق و خصائل استادانش چندان اطلاعی در دست نیست.^۹

به هر حال ابن خلدون منسوب به یکی از خاندان‌های حاکم در اندلس است که از همان آغاز فتح این شهر به بعد به ریاست و وزارت رسیده‌اند. محققان آورده‌اند که نیای بزرگ وی خالد معروف به خلدون، همراه لشکر یمانی به اندلس آمد و ابتدا در شهر قرمونه سکونت گزید و خاندان وی در آن شهر پرورش یافتند. سپس فرزندان وی به اشبیلیه منتقل شدند. تا اواخر قرن سوم یعنی روزگار فرمانروایی امیرعبدالله بن محمد اموی (۲۷۴ - ۳۰۰ ق) هنوز فرزندان خلدون در عرصه حوادث نمودار نشده‌اند.^{۱۰}

به قول نویسندگان تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، جامعه‌ای که ابن خلدون در آن ظهور کرد از هر اجتماع دیگر در هر عصر دیگری برای فعالیت آماده‌تر بود و یکی از دوره‌های پر جوش و خروش تاریخ اسلامی به شمار می‌آمد. ابن خلدون همواره میان شرق و غرب ممالک اسلامی در آمد و شد بود. با ملل مختلف و دول گوناگون، چه در ایام شکفتگی و رونق‌شان و چه در روزگار ضعف و ناتوانی آنان، آشنایی یافت. مناصب متعدد داشت و با نظر دقیق و تحلیل‌گر خویش با اندیشه و روحیه افراد و اجتماعات رو به رو گشت. حاصل تجسس و تحقیق او فلسفه اجتماعی و اقتصادی اوست که در تاریخ جوامع بشری اثری شگرف داشته است.^{۱۱}

بررسی زندگی و شرح احوال ابن خلدون که از جذابیت‌های خاص نیز برخوردار است البته در حیطه وظیفه این مقاله نیست و باید به کتب تراجم احوال وی رجوع شود، آن چه در این مقاله از اهمیت اولی برخوردار است. بررسی یکی از دیدگاه‌های اجتماعی او، یعنی نظارت و نقش دولت در اقتصاد است که کوشش می‌شود مورد بررسی و مطالعه قرار بگیرد.

ابن خلدون در زمره برجسته‌ترین دانشمندان دوران آغاز زوال تمدن کشورهای مسلمان به حساب می‌آید که از طرفی نیز مشرف به آغاز تحول و نوزایی در اروپاست. دو زمینه بیرونی فوق به اضافه درک و قوه تحول بسیار قوی و مسافرت‌ها و تجربه اندوزی‌های او باعث شده که بخشی از ارزنده‌ترین میراث سنت اسلامی در حوزه‌های تاریخ، جامعه‌شناسی، تحلیل اقتصادی - سیاسی و اصول حکومت در اثر معروف وی یعنی «مقدمه تاریخ» جمع گردد.^{۱۲} وی در این کتاب، مبانی اصلی رشته‌های گوناگون دانش به ویژه علم تمدن (العمران) را پی ریخت؛ اما به سبب سهم چشمگیری که ابن خلدون در علم اقتصاد داشت، باید او را اگر نه «پدر علم اقتصاد»، دست کم یکی از پیشگامان برجسته در تاریخ اندیشه اقتصادی به شمار آورد. عنوان «پدر علم اقتصاد» به آدام اسمیت که آثار بزرگش حدود سیصد و هفتاد سال پس از مرگ ابن خلدون انتشار

یافت، داده شده است.^{۱۳} کاراتاس نیز معتقد است که او اولین کسی بود که اقتصاد را با شیوه خاص تجزیه و تحلیل نمود.^{۱۴}

مقارن با وی، جهان اسلام، منقسم به دو بخش بود، بخش شرقی و بخش غربی. کشورهایمانند هندوستان، ایران، عراق، شام و عربستان جزو بخش شرقی و کشورهای میان اقیانوس اطلس و مصر یعنی کشورهای شمال آفریقا و نیز قسمت اسلامی اسپانیا یعنی اندلس جزو بخش غربی به شمار می‌رفتند. مسلمین، مسیحیان را از کرانه‌های سوریه رانده و در آسیای صغیر، شبه جزیره بالکان و حتی بیژانس پیش رفته بودند. از این گذشته دین اسلام در سودان، هند، اندونزی، آسیای مرکزی و روسیه رخنه کرده بود، ولی نفوذ مسلمین در اسپانیا و جزایر مدیترانه رو به کاهش می‌رفت؛ همزمان تمدن دول مسلمین از لحاظ سیاسی و هم از لحاظ فرهنگی به انحطاط گراییده بود و اروپا نیز در آستانه رنسانس خود قرار گرفته بود و جنگ‌های موسوم به جنگ‌های صلیبی میان اروپا و جهان اسلام برقرار بود.^{۱۵}

عبدالرحمان در چنین محیطی پرورش یافت، پدرش از اهل علم به شمار می‌رفت. او پس از آموختنی‌های مقدماتی، نزد بهترین استادان به تحصیل علوم نقلی و عقلی پرداخت. به طور کلی زندگی او شامل چهار دوره: ۱- فراگیری علم، ۲- فعالیت‌های سیاسی (مانند دبیری سلطان سرزمین مغرب)، ۳- گوشه‌گیری، ۴- تدریس و تصدی قضایی (مثل قاضی القضاتی مصر) را در بر می‌گیرد،^{۱۶} دو کتاب مشهور وی به نام‌های «العبر» و «مقدمه‌ی ابن خلدون» حاصل این زندگی پرفراز و نشیب است، سرانجام وی در ۱۹ مارس سال ۱۴۰۶ میلادی، چشم از دنیا فرو بست.^{۱۷}

نظریات اقتصادی خاص ابن خلدون

اقسام فعالیت‌های اقتصادی و نکاتی از مسائل شهری از مهم‌ترین مباحثی است که خاص ابن خلدون می‌باشد. ابن خلدون از فعالیت اقتصادی به «معاش» تعبیر می‌کند وی ریشه کلمه مزبور را «عیش» به معنی تلاش در جهت کسب «روزی» و رفع نیازمندی‌های آدمی می‌داند.^{۱۸}

بنابر تقسیم‌بندی او، فعالیت‌های اقتصادی به شش دسته قابل تقسیم‌اند:

شکار حیوانات غیر اهلی در خشکی یا در دریا.^{۱۹}

دامداری یا بهره‌برداری از حیوانات اهلی به هر شکل: وی از تهیه شیر از چهارپایان، حریر

از کرم ابریشم و عسل از زنبور به عنوان نمونه نام می‌برد.^{۲۰}

کشاورزی: که وی آن را بر همه اقسام معاش مقدم می‌شمرد و این تقدم را تقدم ذاتی

می‌داند زیرا معتقد است این قسم از فعالیت‌های اقتصادی امری بسیط، ساده و فطری است و

برای انجام آن نیاز به اندیشه و کسب دانش نمی‌باشد. وی قدمت کشاورزی را به قدمت عمر

بشر می‌داند و آن را شایسته‌ترین وسایل طبیعی تأمین نیازمندی‌های اقتصادی معرفی می‌کند.^{۲۱}

صنایع: که ابن‌خلدون شأن آنرا متأخر از کشاورزی می‌داند زیرا معتقد است صنعت برخلاف

کشاورزی که در آن ترکیب اجزاء طبیعی راه ندارد و کاملاً طبیعی و ساده است، از امور ترکیبی و

علمی است که در آن اندیشه و نظر را به کار می‌برند و به همین جهت جز در شهرها که متأخر

از روستاها هستند یافت نمی‌شود.^{۲۲}

بازرگانی: کوشش در راه کسب سود و منفعت بوسیله افزودن بر قیمت از راه خریدن کالا به

بهای ارزان و فروختن آن به بهای گران است و سود مقداری است که بر سرمایه از طریق

تجارت افزوده می‌گردد.^{۲۳}

مشاغل دولتی: یکی دیگر از اقسام تأمین نیازمندی‌های اقتصادی است. چنانکه ابن‌خلدون

می‌گوید:

سلطان ناگزیر است برای اداره همه امور کشور و پادشاهی که درصدد آن هست، خدمتگزارانی از

قبیل سپاهی و شرطی (پاسبان) و کاتب (نویسنده) برگزیند و مخارج ایشان را از خزانه کشور

متکفل شود.^{۲۴}

برای مورد آخر (مشاغل دولتی) باید دولت تشکیل، و این مشاغل احراز شوند؛ ابن‌خلدون با

روش فلسفی اجتماعی خود معتقد است که غیر از عوامل مؤثر طبیعی، علل ذاتی و جوهری در

خود جامعه برای پیشرفت و نابودیش وجود دارد. او معتقد است بر هر جامعه سیاسی احوال

سه‌گانه‌ای حاکم است. در مرحله اول، جامعه، زندگی بیابانی و در شکل قبیله دارد و چیزی جز

نیازها و عادت‌هایش آن حکومت نمی‌کند. در مرحله دوم، از طریق فتوحات به جامعه می‌رسد و

دولت تأسیس می‌کند. در مرحله سوم، بدوی اولیه به شهرنشینی تحول پیدا می‌کند و عادت‌های

ملت مغلوب را اخذ و در نتیجه اضمحلالش فرا می‌رسد.^{۲۵}

از دیدگاه ابن‌خلدون دو نظریه وجود دارد که با توجه به آن دولت تشکیل شده است، که عبارتند از «نظریه دولت» و «نظریه عصبیت» که در ذیل آورده شده است.

نظریه دولت ابن‌خلدون

ابن‌خلدون از معدود صاحب نظران اسلامی و در عین حال، مشهورترین آنهاست، که دولت را پدیده‌ای پویا و درحال تکامل می‌داند؛ به بیان ساده‌تر، او همانند فارابی زندگی اجتماعی را ضروری می‌داند که به آن دلیل که تأمین نیازهای مادی، بقای نسل و دفاع در برابر حیوانات درنده، مشروط به همکاری و پذیرش تقسیم کار است. در مرحله‌ی تقسیم کار که انسان به تولید مصنوعات بیش از نیاز اولیه می‌پردازد، تجاوز به حقوق و اموال یکدیگر آغاز و حیات انسانی به صحنه‌ی کشمکش و درگیری مبدل می‌شود. برای جلوگیری از جنگ میان انسان‌ها، دولتی لازم است که به وسیله‌ی قوی‌ترین و داناترین فرد جامعه اداره می‌شود. بدینسان پیشرفت زندگی اجتماعی و تحصیل مازاد تولید، نیاز به دولت را پدید می‌آورد.^{۲۶}

به عقیده ابن‌خلدون، شکل‌گیری دولت مشروط به آن است که مجموعه‌ای از افراد در سرزمینی مشخص، دورهم گرد آیند و حکومت تشکیل دهند. چنین دولتی موظف به مبارزه با دشمن، تعیین حدود جغرافیایی و حراست از آن‌ها، دریافت مالیات، منع مردم از دست زدن به اعمال خلاف قانون و وظایفی مانند آن است؛ دولتی که شمشیر (سربازان) و قلم (نویسندگان)، کارگزاران، دستگاه دیوانی از عناصر تشکیل دهنده‌ی آن شمرده می‌شوند. در رأس دولت، پادشاه قرار دارد که به کمک شمشیر و زور به قدرت دست یافته است و به واسطه‌ی اعمال زور از سوی فردی دیگر، قدرتش به انتها می‌رسد و دولتی جدید متولد می‌شود. ابن‌خلدون می‌گوید:

دولت یک موجود زیست متد و در نتیجه، همانند انسان دارای تولد، رشد و مرگ است. در این مدت، دولت پنج مرحله‌ی ۱- استقرار، ۲- خودکامگی، ۳- عظمت، ۴- آرامش و ۵- پریشانی را پشت سر می‌گذارد. در مرحله‌ی اخیر، اسراف، تبذیر، شهوترانی، بکارگیری افراد نالایق، به تباهی رفتن سپاه، تندی با بزرگان و برخی مسائل دیگر بروز می‌کند. به دیگر سخن، دولت در مرحله پریشانی، از انسجام کافی بی‌بهره است. تعارض‌های متعدد آن را احاطه می‌کند و از نیروی کافی، امکانات مالی و همبستگی بهره‌ای ندارد. به همین دلایل، مرگ و انقراض، دولت را در بر می‌گیرد و دولتی دیگر جانشین آن می‌شود.^{۲۷}

نظریه عصبیت ابن خلدون

عصبیت از نظر لغوی از ریشه «عصبه» به معنای خویشان پدری شخص است. در واقع، شخص صاحب عصبیت کسی است که از حریم جد اعلاى خود دفاع می‌کند. ابن خلدون تعریف دقیقی از عصبیت ارائه نمی‌کند اما آنچه از آثار او به دست می‌آید این است که مرادش از عصبیت همان نیرویی است که تعدادی از انسان‌ها را در پیوند با هم متشکل و منسجم می‌سازد تا جهت دستیابی به قدرت اقدام کنند، عصبیت از نظر ابن خلدون ماهیت سیاسی - قومی دارد و مراد از عصبیت در کلام او غیر از همبستگی اجتماعی است که جامعه‌شناسان معاصر مطرح می‌کنند؛ زیرا مراد جامعه‌شناسان از همبستگی اجتماعی بیشتر پیوندهای اقتصادی و اجتماعی است که جنبه سیاسی آن کم‌رنگ است در حالی که مراد از عصبیت در اندیشه ابن خلدون نوعی همبستگی درون اجتماعی است که جنبه سیاسی آن بر جنبه‌های دیگرش غلبه دارد.^{۲۸}

مفهوم عصبیت که نظریه‌ی معروف ابن خلدون است نقشی اساسی در دیدگاه‌های اجتماعی و سیاسی او دارد و از نظر وی، اساس تاریخ و محور تحول اجتماعی (تغییر از بدوی به حضری) است. مراد از عصبیت، دفاع مردم از حریم قبیله و دولت خویش است.^{۲۹} عصبیت منشأ فطری دارد و در نتیجه، یک موضوع طبیعی است. با این وصف، ابن خلدون در پاسخ به این سوال که عصبیت چگونه شکل می‌گیرد و یا چه چیزهایی موجب پیدایش عصبیت می‌شود، به عناصر ذیل اشاره می‌کند:

- پیوندهای فامیلی و خویشاوندی

- هم‌پیمانی و هم‌سوگندی

- دین و مذهب مشترک

- اجداد یا اصل و نسب واحد

- محیط و شرایط سخت جغرافیایی

تعصب نژادی، احساس برادری، وطن‌خواهی و در یک کلمه، عصبیت در مردم بادیه‌نشین افزون‌تر و به همین دلیل، همبستگی و طول عمر سیاسی آنان بیشتر است.^{۳۰} وقتی الگوی بادیه‌نشین تبدیل به شهرنشین می‌شود و در قالب دولت مستحیل می‌شود، در واقع شکل

جدیدی به خود می‌پذیرد که نمود آن در قدرت دولت معنی‌دار است. پس از تشکیل دولت، قبایل تصمیم به زندگی در شهر می‌گیرند.^{۳۱}

نکاتی از مسائل اقتصاد شهری

الف) انگیزه شهرنشینی

قبایل و گروه‌های بادیه‌نشین که موفق به تشکیل دولتی می‌شوند به منظور مصون داشتن خود از دستبرد غوغاگران (به دلیل پناه بردن ایشان به شهرها و استفاده از امکانات حصارهای آن) و نیز آسایش طلبی و سکونت دائمی و ترک صحراگردی و کوچ‌نشینی، شهرهای جوانب خود را تحت استیلاء خود قرار می‌دهند و اگر شهر بزرگی در آن ناحیه حکومتی یافت نشود به دو منظور دست به احداث شهر می‌زنند:

تکمیل اجتماع خود و فرونهادن بارهای سنگین صحراگردی در آن شهر.

مقاومت در برابر هجوم بیگانگان و مهاجمین به محدوده فرمانروایی حاکمان جدید.^{۳۲}

ابن‌خلدون در درجه توسعه و عمران، شهر را متناسب با بزرگی دول می‌داند. وی از تجمل‌خواهی و ناز و نعمت و سکون و آرامش به عنوان انگیزه‌های اصلی شهرنشینی یاد می‌کند.^{۳۳}

ب) اصول شهر سازی

آنگاه ابن‌خلدون نکاتی را که لازم است در بنای شهر مورد توجه قرار گیرد بدین شرح می‌-

شمرد:

اولاً) شهر طوری بنا شود که دفع زیان بکند. بدین منظور دو مورد عمده بایستی رعایت

شود.

ساختن حصار و بارو و بلند بودن مکان بنای شهر (کوهستانی باشد یا رود و دریا اطراف آن

باشد) که هر دو جنبه حفاظتی دارند.

خوش بودن هوا برای مصونیت در برابر بیماری‌ها و عدم شیوع آنها بدین معنی که مکانی که

برای بنای شهر انتخاب می‌شود نباید دارای هوای راکد و ناپاک باشد و همچنین نزدیک به آب-

های تباه و حوضچه‌های ناسالم یا چراگاه‌های ناپاک نباشد تا اینکه از ایجاد عفونت در موجودات زنده جلوگیری شود.^{۳۴}

ثانیاً نکاتی که سبب جذب منافع می‌شود در انتخاب مکان بنای شهر (حتی‌الامکان) رعایت شود و این موارد عبارتند از:

دسترسی به آب، چراگاه‌های مناسب و محصولات کشتزارهای اطراف.
دسترسی به درخت‌های فراوان برای سوختن و بکار بردن در ساختمان‌ها.
نزدیکی به دریا (حتی‌الامکان).^{۳۵}

فعالیت‌های اقتصادی دولت

به نظر می‌رسد که ابن‌خلدون با انجام فعالیت‌های اقتصادی توسط دولت مخالف و آن را برای عموم مردم و حتی خود دولت زیانبار می‌داند،^{۳۶} چنانچه وی معتقد است:

... و گاهی هم سران دولت برای سلطان موجبات بازرگانی و کشاورزی فراهم می‌کنند به طمع آنکه اموال خراج را فزونی بخشند، چه می‌بینند بازرگانان سودها و بهره‌های بسیار بر می‌گیرند با آنکه سرمایه‌های ایشان اندک است. در صورتی که اشتباه بزرگی است و از راه‌های گوناگون بر رعایا ضرر می‌رساند.^{۳۷}

در جایی دیگر می‌گوید:

ستمگری دیگری که ... اجتماع و دولت را به یقین به سرایش سقوط و تباهی نزدیک می‌سازد تسلط یافتن بر اموال مردم از راه خریدن (محصولات و کالاهای ایشان) به ارزان‌ترین بهاست و آن گاه عرضه کردن همان کالاها به گران‌ترین قیمت‌ها به طور غضب و اکراه در خرید و فروش به آنان، چه بسا که آنها را مکلف می‌سازند تا بهای کالاهای مزبور به طور مستقیم در موعد معینی بپردازند و آنگاه برای جبران این خسارت به آنچه آزمندانه در نوسان‌های نرخ بازار احداث می‌کند دست می‌یازند تا کالاهایی را که با کراهت و (به اجبار) خریده‌اند، به پست‌ترین بها بفروشند و بدینسان، خسارت میان دو معامله به سرمایه ایشان باز می‌گردد ... و هیچ راه گریزی نمی‌بیند جز اینکه دست از داد و ستد و پیشه‌وری بردارند و در نتیجه بازارها کاسد، و کسب معاش برای رعایا دشوار می‌شود و خراج‌ستانی سلطان نیز نقصان می‌پذیرد یا به کلی از بین می‌رود.^{۳۸}

بدین ترتیب ابن‌خلدون درصدد تشریح چگونگی اضرار فعالیت‌های دولتی بر بخش خصوصی و عموم مردم بر می‌آید. به نظر وی، مداخله سلطان (یا دولت) در جریان مبادله

اقتصادی، روند مبادله اقتصادی را در سطح عمران مختل کرده و به تباهی می‌کشاند و در نتیجه‌ی اختلال و تباهی عمران، دولت نیز دچار اختلال و تباهی می‌شود.^{۳۹} اگر دقت و باریک‌بینی ابن‌خلدون در تحلیل مسائل اجتماعی و اقتصادی مورد توجه قرار گیرد از بسیاری از عوارض ناشی از فعالیت‌های مستقیم اقتصادی دولت و یا برخی منتسبین دولت در جوامع جلوگیری می‌شود.

الف) رقابت و عدم فعالیت‌های اقتصادی دولت

وضعیتی که ابن‌خلدون برای بازار قبل از فعالیت‌های اقتصادی دولت ترسیم می‌کند شباهت بسیار زیادی به بازار رقابتی مطرح در اقتصاد خرد دارد.

هرچند آنچه ابن‌خلدون مطرح می‌کند منطبق بر رقابت کامل^{۴۰} نیست لیکن وی به روشنی، وجود رقابت در بازار در شرایط عدم حضور دولت اشاره می‌کند:^{۴۱}

رعایا از لحاظ ثروت و مکنت در یک سطح هستند یا اندک با هم اختلاف دارند و مزاحمت و رقابت آنان با یکدیگر متهی یا نزدیک به سود ثروت‌های ایشان می‌شود.^{۴۲}

ابن‌خلدون معتقد است اگر دولت در جریان مبادله اقتصادی دخالت کند، این روند دچار اختلال می‌گردد و در نتیجه‌ی این اختلال هم مردم و هم دولت زیان می‌بینند. او می‌گوید:^{۴۳}

همچنین این امر (یعنی مداخله سلطان در جریان مبادله اقتصادی) مایه تباهی عمران و اجتماع می‌شود و در نتیجه تباهی و نقصان اجتماع، وضع دولت مختل و متزلزل می‌گردد، چه هنگامی که رعایا از تولید ثروت و بهره‌برداری از اموال خویش بوسیله کشاورزی و بازرگانی کناره‌گیری کنند، ثروت آنان نقصان می‌پذیرد و به سبب مخارج، به کلی، دچار پریشانی و سیه‌روزرگی می‌شوند.^{۴۴}

از سخنان وی، این نتیجه حاصل می‌شود که رقابت آزاد میان عاملان اقتصادی در جامعه، مایه فزونی ثروت و بهبود زندگانی است، اما این رقابت در میان رعایایی امکان‌پذیر است که از نظر ثروت و توانایی‌ها در یک سطح قرار داشته باشند، ولی آنجا که سلطان (یا دولت) بخواهد با رعایا به رقابت بپردازد، کساد بازار و رکود اقتصادی را در پی خواهد داشت.^{۴۵}

گاهی سلطان کالاها و وسایل بازرگانی را در معرض فروش می‌بیند، بسیاری از آنها را غاصبانه از چنگ مردم می‌رباید یا به کمترین بها می‌خرد یا در برابر خود هیچ گونه رقیب و حریفی نمی‌یابد و از این رو، با مبلغ ناچیزی آنها را از فروشنده می‌خرد.^{۴۶}

ابن خلدون مخالف دخالت مستقیم دولت در مبادلات اقتصادی است اما نظر او درباره نقش تنظیم‌کننده و سامان‌بخش سلطان (یا دولت) نیز دارای اهمیت بسیاری است:^{۴۷}

اگر سلطان مستمری اندک بپردازد، سبب کمبود خراج می‌شود و سبب آن، این است که دولت و سلطان به منزله‌ی بزرگترین بازار برای جهان است و ماده اجتماع و آبادانی از آن، به دست می‌آید.^{۴۸}

چون دولت از طریق خراج ستانی، محل گرد آمدن ثروت‌های تولید شده در جامعه است و اگر دولت، آن ثروت‌ها را ببندد یا «در مصرف‌های حقیقی» به کار نگیرد، پولی که باید در دست حاشیه‌نشینان و اطرافیان و وابستگان قرار گیرد، کاهش پیدا می‌کند و چون این گروه مخارج بیشتری دارند و قسمت اعظم اهالی شهر را تشکیل می‌دهند، از رونق بازارها کاسته می‌شود و سودهای بازرگانی به سبب کمی پول در گردش، به نقصان میل می‌کند. در این صورت نیز در نتیجه کاهش رونق اقتصادی، از درآمدهای دولت کاسته خواهد شد:^{۴۹}

زیرا انواع خراج‌ها و مالیات‌های ارضی از آبادانی و داد و ستد و رواج بازار و کوشش مردم در راه به دست آوردن سودها و ربح‌ها (درآمدهای ناخالص) حاصل می‌شود.^{۵۰}

تحلیل ابن خلدون از مکانیسم جریان ثروت‌های تولید شده در جامعه با تکیه بر این اندیشه بنیادین پیش می‌رود که دولت:

بزرگترین بازار و مادر و اساس و مایه همه‌ی بازارها در دخل و خرج است و اگر این بازار اساسی کساد شود، به طریق اولی بازارهای دیگر به همان سرنوشت و بلکه بدتر از آن گرفتار می‌شوند و نیز می‌دانیم که ثروت میان رعیت و سلطان دست به دست مبادله می‌شود، از مردم به سلطان می‌رسد و از سلطان به مردم باز می‌گردد و اگر سلطان آن را نزد خود نگه دارد، رعیت فاقد آن می‌شود.^{۵۱}

ب) انحصار و فعالیت اقتصادی دولت

وضعیتی که ابن خلدون از وضعیت بازار پس از دخالت دولت توصیف می‌کند مشابه وضعیت حاکم بر بازار انحصاری است. ابن خلدون دولت را به عنوان یک انحصارگر تلقی می‌کند که به خاطر امکانات مالی فراوان، بقیه حریفان بخش خصوصی را از میدان به در کرده و خود سررشته فعالیت‌های اقتصادی را در دست می‌گیرد:

... هرگاه سلطان هم با آن همه ثروت بیکران که از همه آنها توانگرتر است در این گونه رقابت‌ها شرکت جوید آن وقت کار بجایی می‌کشد که هیچ یک از رعایا نتواند کمترین نیازمندی‌های خود را بدست آورد و این امر موجب افسردگی و سیاه روزگاری مردم می‌شود...^{۵۲}

همانطور که ذکر شد اگر فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی توسط بخش دولتی سلب گردد موجبات ورشکستگی واحدهای کوچک اقتصادی فراهم می‌شود.^{۵۳}

مطالب مذکور نشان می‌دهد که ابن‌خلدون مخالف انحصار و انحصارطلبی دولت در فعالیت‌های اقتصادی است و این کار را مانع پیشرفت و توسعه اساسی جوامع می‌داند.

ج) کاهش درآمدهای مالیاتی

ابن‌خلدون معتقد است بخش دولتی نیز در نهایت، از چنین وضعیت منتفع نمی‌گردد، زیرا به علت کاهش درآمدهای بخش خصوصی و ورشکستگی آنها، درآمدهای مالیاتی به شدت کاهش می‌یابد، به طوری که سود حاصل از فعالیت‌های اقتصادی در مقایسه با کاهش مالیات‌های دریافتی را ناچیز می‌دانند.^{۵۴}

پس هرگاه کشاورزان دست از کشاورزی بردارند و بازرگانان به ورشکستگی گرفتار شوند و پیشه خود را ترک گویند، آن وقت کلیه درآمد دولت که از خراج به دست می‌آید از میان می‌رود یا نقصان فاحشی بدان راه می‌یابد و هرگاه سلطان آنچه را که برای او از خراج به دست می‌آید با این سودهای اندک مقایسه کند، سودهای مزبور را نسبت به خراج، اندک‌تر از اندک خواهد یافت.^{۵۵}

آنگاه که خراج‌ستانی از حد اعتدال خارج شد، اشتیاق به آبادانی از میان مردم رخت بر می‌بندد و روند بهبود و وضع معیشتی دستخوش رکود می‌شود و بدینسان، درآمدهای دولت نیز رو به کاهش می‌گذارد، اما به علت کاهش فعالیت، این خراج‌ستانی جدید نیز کارساز واقع نمی‌شود و در این صورت کار به جایی می‌رسد که «سرانجام، آبادانی و اجتماع در سرایشی سقوط فرو می‌افتد، زیرا امید مردم به تولید ثروت و آبادانی قطع می‌گردد». ابن‌خلدون در ادامه سخن خود تأکید می‌کند که فرجام ناسازگار چنین وضعیتی عاید دولت می‌شود، سود و زیان اجتماع در نهایت، سود و زیان دولت است و افزایش باج‌ستانی تا جایی پیش می‌رود که «دولت مضمحل می‌شود».^{۵۶}

طبق نظر ابن‌خلدون، درآمدهای مالیاتی نظام حاکم، به علت شکوفایی کسب و کار افزایش می‌یابد که این شکوفایی در نتیجه مالیات‌های کم، امکان‌پذیر است، نه مالیات‌های سنگین؛ بنابراین، او نخستین کسی در تاریخ بود که سنگ بنای یک تئوری برای نرخ بهینه مالیات‌بندی را

بر زمین گذاشت. نظریه‌ای که حتی بر اندیشه اقتصاددانان عرضه‌گرای جدید نظیر آرتور لافر نیز تأثیرگذار بوده است.^{۵۷}

ابن‌خلدون با هرگونه تلاش دولت برای مصادره اموال خصوصی یا دخالت در اموال شخصی افراد به شدت مخالف بود. دخالت‌های خودسرانه دولت‌ها در مالکیت خصوصی انسان، به از بین رفتن انگیزه‌ها منتهی می‌شود که این امر می‌تواند سرانجام به تضعیف خود دولت بیانجامد. باج‌گیری برای خود دولت هم ذاتاً شکست‌آور است؛ زیرا باج‌گیری، نوعی ستمگری است و ستمگری جامعه را به تباهی می‌کشاند. گرچه ابن‌خلدون دولت‌ها را ناکارآمد می‌داند و معتقد است آنها در کارهای خود حساب و کتابی نمی‌شناسند و در سیاست‌های خود حساب منفعت و هزینه را نگه نمی‌دارند، باز به اعتقاد او، از طریق خریدهای بزرگ خود، نقش مهمی را در اقتصاد کشور ایفا می‌کنند. مخارج و هزینه‌های دولت با افزایش دادن درآمدها که در نتیجه اثر ضریب افزایشدهنده، باز هم افزایش می‌یابد، به اقتصاد تحرک می‌بخشد. با این حال، اگر سلطان مقدار درآمدی را که از طریق مالیات‌ها به دست می‌آورد، احتکار کند، فعالیت اقتصادی دچار رکود می‌شود و فعالیت‌های اقتصادی حکومت از طریق اثر ضریب افزایشدهنده بر روی رشد و گسترش اقتصاد تأثیر معکوس می‌گذارند.^{۵۸}

نتیجه

همانطور که مشاهده شد ابن‌خلدون مخالف دخالت مستقیم دولت در مبادلات اقتصادی است، اما به نظر او دولت نقشی تنظیم‌کننده و سامان‌بخش برای اقتصاد بر عهده دارد؛ و عدم دخالت آن، رقابت را برای صنایع بوجود می‌آورد، و چنانچه رقابت حاصل شود تحرک برای اقتصاد به ارمغان خواهد آورد؛ و این تحرک اقتصادی منجر به افزایش درآمدها و سود خواهد شد. اما دخالت در مبادلات اقتصادی ضرر و زیان هم برای جامعه و هم برای خودش (دولت) در پی خواهد داشت.

پی نوشت

- ۱- پژوهشگران، جمشید، اقتصاد بخش عمومی، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، ۱۳۷۴، ص ۱۰۶.
 - ۲- ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه، ج ۱، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲، صص ۵۴۱-۵۵۸.
 - ۳- طباطبایی، جواد، ابن خلدون و علوم اجتماعی، تهران، طرح نو، ۱۳۷۴، صص ۸۲-۲۸۰.
 - ۴- متوسلی، محمود، خصوصی سازی یا ترکیب مطلوب دولت و بازار، مطالعات و پژوهش های بازرگانی، ص ۱۲.
 - ۵- ابن خلدون، ج ۱، ص ۳۹.
 - ۶- مهدی، محسن، فلسفه تاریخ ابن خلدون، ترجمه مجید مسعودی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۸، ص ۳۱.
 - ۷- ابن خلدون، ج ۱، ص ۳۹.
 - ۸- ابن خلدون، ج ۱، ص ۳۹، مهدی، محسن، ص ۳۱، و نیز نگاه کنید به:
- Hakim,Cecep Maskanul :Ibn Khalduns Thought In Microeconomics :
Dynamic Of Labor, Demand-Supply And Prices, ۲۰۰۹-۰۹-۰۵^۱
- ۹- مهدی، محسن، ص ۳۰.
 - ۱۰- ابن خلدون، ج ۱، ص ۴۰.
 - ۱۱- حنّالفاخوری و خلیل الجری، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، ج دوم، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، کتاب زمان، ۱۳۵۸، ص ۷۰۹.
 - ۱۲- خاندوزی، سید احسان، (۱۳۸۸/۶/۱۵)، ابن خلدون و اشرافیت حکومت ها، www.edalatkhahi.ir
 - ۱۳- تاون، جورج «ابن خلدون پدر علم اقتصاد»، ترجمه حسن توانیان فرد، مجله اقتصاد اسلامی شماره ۱۱، پائیز ۸۲ صص ۵۰-۱۳۵.
- Karatas,Selim Cafer :Economic Theory Fall Of Nations,۲۰۰۹-۰۹-۰۵.
- ۴۱- اخوان، حمید، بررسی آرای اقتصادی ابن خلدون، انتشارات سازمان برنامه و بودجه استان قم، ۱۳۷۹، ص ۱۷.
 - ۱۵- خوشرو، غلامعلی، شناخت انواع اجتماعات از دیدگاه فارابی و ابن خلدون، تهران، انتشارات اطلاعات، صص ۷۲-۶۰.
- ۱۶-Hakim,Cecep Maskanul :Ibn Khaldun Thought In Microeconomics :Dynamic

Of Labor, Demand-Supply And Prices, ۲۰۰۹-۱۰-۰۱

- ۱۷- ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه، جلد دوم، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵، ص ۷۵۸.
- ۱۸- همانجا.
- ۱۹- همانجا.
- ۲۰- همانجا.
- ۲۱- ابن خلدون، ج ۲، ص ۷۵۹.
- ۲۲- همانجا.
- ۲۳- ابن خلدون، ج ۲، ص ۷۶۰.
- ۲۴- عرفانی، سید طاهر (۱۳۸۸/۶/۲۲)، انحطاط نظام‌های سیاسی از نظر ابن خلدون و ماکیاولی. www.motaleateaf.org
- ۲۵- لمبتون، ان کی اس، دولت و حکومت در اسلام، ترجمه سید عباس صالحی، تهران، موسسه عروج، ۱۳۷۴، صص ۶۶-۲۶۱.
- ۲۶- آزاد ارمکی، تقی، اندیشه‌ی اجتماعی متفکران مسلمان از فارابی تا ابن خلدون، تهران، انتشارات سروش، صص ۱۵-۳۱۳.
- ۲۷- تقوی، سرور (۱۳۸۸/۶/۱۵) جامعه و دولت از دیدگاه ابن خلدون. www.armans.info
- ۲۸- طباطبایی، جواد، ص ۲۲۰.
- ۲۹- ستوده، هدایت‌الله، تاریخ اندیشه‌های اجتماعی در اسلام، نشر آوای نور، ۱۳۸۲، صص ۲-۱۴۱.
- ۳۰- خسروی، رضا، انسان‌شناسی در آراء ابن خلدون.
- ۳۱- ابن خلدون، ج ۲، ص ۶۷۶.
- ۳۲- اخوان، حمید، صص ۸-۳۷.
- ۳۳- ابن خلدون، ج ۲، ص ۶۸۴.
- ۳۴- همان، صص ۶-۶۸۵.
- ۳۵- اخوان، حمید «ابن خلدون و حدود دخالت دولت در اقتصاد مقایسه با آرای آدام اسمیت»، مجله برنامه و بودجه شماره ۴۶، ۴۷، (۱۳۷۸ ش).
- ۳۶- ابن خلدون، ج ۱، ص ۵۴۱.
- ۳۷- همان، ص ۵۵۸.
- ۳۸- طباطبایی، جواد، صص ۸۱-۲۸۰.

۳۹- فرگوسن، چارلز، نظریه اقتصاد خرد، ترجمه محمود روزبهان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۳. رقابت کامل مدلی اقتصادی از بازار است که دارای ویژگی‌های زیر باشد: «هر بنگاه اقتصادی نسبت به بازار آنقدر کوچک است که نمی‌تواند روی قیمت تأثیر قابل ملاحظه- ای اعمال کند». تولید همگن است، منابع آزاد است، دخول و خروج آزادانه بنگاههای اقتصادی وجود دارد و تمام عاملین اقتصادی در بازار دارای اطلاعات کافی می‌باشند. البته، بازاری با مشخصات فوق که کاملاً رقابت باشد وجود خارجی ندارد و این مدلی است نظری که در تحقیقات اقتصاددانان بکار می‌رود.

۴۰- اخوان، حمید، ص ۵۸.

۴۱- ابن خلدون، ج ۱، ص ۵۴۱.

۴۲- طباطبایی، جواد، ص ۲۸۱.

۴۳- ابن خلدون، ج ۱، ص ۵۴۳.

۴۴- طباطبایی، جواد، ص ۲۸۱.

۴۵- ابن خلدون، ج ۱، ص ۵۴۱.

۴۶- طباطبایی، جواد، ص ۲۸۲.

۴۷- ابن خلدون، ج ۱، ص ۵۵۱.

۴۸- طباطبایی، جواد، ص ۲۸۲.

۴۹- ابن خلدون، ج ۱، ص ۵۵۱.

۵۰- همانجا.

۵۱- همان، ص ۵۴۱.

۵۲- اخوان، حمید، ص ۵۹. نظریه ابن‌خلدون در خصوص عدالت از منبائی‌ترین و مهم‌ترین ارکان نظریات وی می‌باشد. وی فصلی از مقدمه را اختصاص به این موضوع داده است با عنوان اینکه «ستم اعلام کننده ویرانی اجتماع و عمران است». او صراحتاً در این فصل اعلام می‌کند که آبادانی و فراوانی و رواج بازارهای آن تنها در پرتو کار و کوشش مردم برای مصالح زندگی و پیشه‌ها است که پیوسته در این راه‌ها در تکاپو تلاش‌اند و به همین سبب اگر مردم در راه معاش خود کوشش نکنند و دست از پیشه‌ها بردارند بازارهای اجتماع و آبادانی بی‌رونق و کساد می‌شود و احوال متزلزل می‌گردد و مردم در جستجوی روزی از آن سرزمین رخت بر می‌بندند و در نواحی دیگر که بیرون از قلمرو فرمانروایی آن ناحیه است پراکنده می‌شوند و در نتیجه جمعیت آن ناحیه تقلیل می‌یابد و شهرهای آن از سکنه خالی می‌شود و شهرهای آن ویران می‌گردد و پریشانی و نابسامانی

آن دیار به دولت و سلطان هم سرایت می‌کند، زیرا دولت برای اجتماع به منزله صورت است که وقتی ماده آن تباهی پذیرد خواه ناخواه صورت هم تباه می‌شود. وی در ادامه ضمن نقل حکایتی از مسعودی در اخبار ایرانیان نتیجه می‌گیرد که ستمگری ویران کننده آبادانی و اجتماع است و نتایج ویرانی اجتماع و آبادانی که عبارت از تباهی و تزلزل است به دولت باز می‌گردد. (مقدمه، ج ۱، ص ۵۶۰-۵۵۲) ۵۳- همانجا.

۵۴- ابن خلدون، ج ۱، ص ۵۴۳.

۵۵- ابن خلدون، ج ۱، صص ۴۰-۵۳۸.

۵۶- تاوون، جورج، صص ۵-۱۴۲.

۵۷- طباطبایی، جواد، صص ۵-۲۸۲.

۵۸- تاوون، جورج، صص ۴۷-۱۴۴.